

یادداشت

انتخاب یک مهاجر در قلب دموکراسی جهان! بررسی اجمالی و تطبیقی با انتخابات در ایران

اسدالله درویش‌امیری

کسانی که از انتخاب یک شهردار مسلمان شیعه و جوان مهاجر در نیویورک به وجد آمده‌اند، شاید این رویداد را نیز مانند دیگر مسائل، با توهم «پیروزی بزرگ» و «شکست مفتضحانه ترامپ و آمریکا» تلقی کنند، باید از خود بپرسند: آیا حاضرند همانند آمریکایی‌ها عمل کنند و در کلان‌شهر تهران به یک هم‌وطن غیرشیعه و نه مهاجر، اجازه کاندیدایتوری در انتخابات شورای شهر تهران را بدهند؟ تا چه برسد که شهردار بشود!

این پرسش هنگامی معنای واقعی خود را می‌یابد که به یاد آوریم در

ایران، وقتی سپینا نیکنام -یک ایرانی زرتشتی- در انتخابات دور پنجم با رأی

بالای مردم به شورای شهر یزد راه یافت، موجی از اعتراض راه انداختند و

چه همه‌ها که علیه او آغاز نشد و آسمان و زمین به لرزه افتاد که چرا باید

یک زرتشتی در دارالمؤمنین یزد به شورای شهر راه پیدا کند و با نامه نماینده

مجلس خیرکان به شورای نگهبان تمام نهاده‌ا، از مجلس شورای اسلامی

گرفته تا شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی شورای

فقهی حوزه علمیه، به میدان آمدند تا با طرح اینکه حضور او خلاف شرع و

مغایر قانون است، او را از شورای شهر یزد کنار بگذارند.

شما که حتی حضور یک ایرانی زرتشتی را در شورای شهری مانند یزد

برنمی‌تایید، به چه حقی از جامعه‌ای که در عمل به دموکراسی و تأمین

حقوق شهروندانش پایبند است، آن را پیروزی خود قلمداد و ابراز خوشحالی

می‌کنید؟

این تناقض رفتاری نشان می‌دهد پیشرفت واقعی فقط زمانی ممکن است

که بتوانیم در عمل، حقوق همه شهروندان را -فارغ از دین و باورشان- به

رسمیت بشناسیم و از حقوق همه آنان به عنوان شهروندان ایرانی دفاع

کنیم و احترام قائل باشیم. اینجاست که انتظار می‌رود حاکمیت، ایران عزیز

را متعلق به ۹۰ میلیون ایرانی بداند و حقوق شهروندی همه آنان را تأمین

و به آن احترام بگذارد.

فشار سیاست، کمبود سرمایه؛ سال سخت انرژی در برنامه هفتم

چنین تأخیری منجر شد تا بسیاری از دستگاه‌های اجرائی، از جمله وزارت نفت و نیرو، بدون راهبر و کلان و مشخص وارد سال نخست اجرای برنامه شوند. درواقع زمانی که برنامه ابلاغ شد، بخش زیادی از سال مالی سپری شده بود و امکان تطبیق طرح‌ها با اهداف جدید وجود نداشت. این ناهماهنگی میان زمان‌بندی برنامه و بودجه، از مهم‌ترین عوامل ساختاری در کاهش میزان تحقق اهداف است.

عامل مهم دیگر در تحقق یافتن اهداف، بی‌ثباتی سیاسی ناشی از تغییر دولت در سال گذشته است. سقوط بالگرد و شهادت رئیس‌جمهور وقت، کشور را در وضعیتی خاص و غیرمنتظره قرار داد. پس از این حادثه، فرایند برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری و تشکیل دولت جدید نزدیک به پنج ماه از زمان تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور را تحت تأثیر قرار داد. این وقفه زمانی موجب شد بسیاری از برنامه‌ها متوقف بمانند و تمرکز مدیریتی کشور بر انتقال قدرت و مسائل فوری سیاسی قرار گیرد. در این فاصله، هیچ هماهنگی منسجمی در دستگاه‌های اجرائی برای پیگیری اهداف توسعه‌ای وجود نداشت و دولت جدید نیز پس از آغاز به کار، ناچار بود اولویت خود را بر تثبیت وضعیت موجود و مدیریت بحران‌های جاری بگذارد.

در ادامه، شرایط سیاست خارجی نیز نقش درخور توجهی در تضعیف روند اجرای برنامه ایفا کرده است. یک سال گذشته برای ایران از منظر منطقه‌ای و امنیتی، یکی از پرتنش‌ترین دوره‌ها بود. ترور اسماعیل هنیه در تهران، درگیری‌های امنیتی با اسرائیل، و جنگ ۱۲روزه در منطقه، فضای سیاسی کشور را به‌شدت امنیتی و پیش‌بینی‌ناپذیر کرد. در کنار این تحولات، بازگشت مجدد دوئلان ترامپ به قدرت در آمریکا و تشدید سیاست فشار حداکثری، موجب شد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران نه‌تنها ادامه یابد، بلکه گسترده‌تر هم شود. حتی مکانیسم اسنپ‌بک شورای امنیت نیز فعال و محدودیت‌های بین‌المللی بر تجارت انرژی ایران تشدید شد. این تحولات، همکاری‌های خارجی در بخش نفت و گاز را تحت تأثیر قرار داد و امکان جذب سرمایه، فناوری و تجهیزات را کم‌رنگ کرد.

از آنجا که صنعت نفت ماهیتی بین‌المللی دارد و رشد آن در گرو تعامل با شرکت‌ها و بازارهای جهانی است، این تحریم‌ها مستقیماً ظرفیت توسعه را محدود کرده‌اند. براساس برآوردهای رسمی، برای حفظ سطح فعلی تولید و جلوگیری از افت فشار در میادین گازی، به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید نیاز است؛ اما در شرایط فعلی، دسترسی به چنین منابعی تقریباً غیرممکن است.

یکی دیگر از موانع تحقق اهداف برنامه در سال نخست، بحران تأمین سوخت در کشور پس از تغییر دولت بود. با جابه‌جایی تیم مدیریتی، ذخایر سوخت مایع کشور در آستانه ریزش (۱۲۰۴ کاش بافت و وزارت نفت ناچار شد از مهر همان سال همه ظرفیت خود را صرف تأمین سوخت نیروگاه‌ها و عبور از بحران ناترازی گاز کند.

در کنار چالش‌های سیاسی و مدیریتی، کمبود منابع مالی نیز به مانعی جدی تبدیل شد. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که فقط حدود ۴۰ درصد از اعتبارات پیش‌بینی‌شده برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز تحقق یافته است. قرارداد فشارافزایی پارس جنوبی به ارزش ۱۸ میلیارد دلار که در اسفند ۱۴۰۳ امضا شد، هنوز بدون تأمین مالی مانده است. با توجه به وابستگی بیش از ۷۰درصدی سبد انرژی ایران به گاز و سهم ۷۵درصدی میدان پارس جنوبی از این تولید، هرگونه تأخیر در اجرای این طرح می‌تواند امنیت انرژی کشور را تهدید کند. ازاین‌رو اولویت‌دهی به تأمین منابع این پروژه‌ها از صندوق توسعه ملی و تمرکز بر طرح‌های راهبردی مانند جمع‌آوری گازهای فلر، امری حیاتی برای پیشگیری از تعمیق ناترازی انرژی در سال‌های آینده است.

در مجموع، عملکرد یک‌ساله برنامه هفتم در حوزه انرژی را باید در زمینه مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و مدیریتی تحلیل کرد. ماهیت آرمانی برنامه، تأخیر در تصویب و ابلاغ، تغییر دولت، بحران‌های سیاست خارجی، تشدید تحریم‌ها، مشکلات مالی و تمرکز بر مدیریت روزمره، همگی باعث شدند اهداف تعیین‌شده در فصل نخست برنامه محقق نشود.

واقعیت این است که توسعه در بخش انرژی بدون ثبات داخلی و تعامل خارجی ممکن نیست. تا زمانی که فضای سیاسی و اقتصادی کشور از بی‌ثباتی خارج نشود و امکان جذب سرمایه و فناوری بین‌المللی فراهم نشود، تحقق اهداف برنامه‌های توسعه‌ای -به‌ویژه در حوزه های سرمایه‌بر و فناوریانه مانند انرژی- بیشتر به آرزو شبیه خواهد بود تا برنامه‌ای عملیاتی.

روایت بحرانی که پای اعتماد به بازاررمزارز ایرانی را لرزاند

اکسکوینو زیر سایه ابهام



موضع انجمن فین‌تک درباره بحران اکسکوینو

علیرضا یعقوبی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن فین‌تک، در گفت‌وگو با «شرق» درمورد اینکه این انجمن چه کامی برای حل مشکلات کاربران اکسکوینو برداشته است، گفت: «چند ماه پیش شکایت‌هایی از سوی کاربران اکسکوینو به انجمن اعلام شده بود که در همان زمان با فوریت پیگیری و از شرکت خواسته شد مشکلات را برطرف کند. طبق اعلام اکسکوینو، قرار است فرایند تسویه طی یک تا دو ماه آینده کامل شود».
به گفته یعقوبی، انجمن فین‌تک نهاد صنفی نیست و اختیارات قضائی یا انتظامی ندارد: «وظیفه ما حمایت از اعضا در کنار پاسداشت حقوق کاربران است و در مقام میانجی عمل می‌کنیم. در صورت دریافت مستندات رسمی مانند رسید تراکنش یا مکاتبات بانکی، پیگیری انجام می‌شود و در صورت بی‌نتیجه‌ماندن، تنها ابزار در اختیار ما تعلیق تمدید عضویت عضو متخلف است». او با تأکید بر اینکه «تصمیم‌گیری براساس شایعات می‌تواند به اعتبار مجموعه‌ها آسیب بزند»، اعلام کرد: «نهادهای نظارتی در جریان موضوع هستند و اکسکوینو متعهد شده مشکل را حل کند. در صورت تداوم وضعیت، نهادهای نظارتی وارد عمل خواهند شد و جای نگرانی برای حقوق کاربران وجود ندارد».
انجمن فین‌تک اعلام کرده کاربران می‌توانند مستندات درباره مشکلات با اکسکوینو از طریق ایمیل iranfinntech@gmail یا شماره تلگرامی ۰۹۹۲۲۰۸۹۴۲ ارسال کنند.

ریالی انجام شده و نه ارزی. یک درصد گفته‌اند فقط برایشان واریز ریالی انجام شده و ۱۳ درصد هم اعلام کرده‌اند که واریز ارزی بخشی از درخواست‌شان به آنها پرداخت شده است. آن‌طور که از صحبت‌های اعضای این گروه مشخص است، اکسکوینو در چند ماه گذشته توانسته بخشی از درخواست‌های ارزی کاربران را واریز کند و واریز در بخش ریالی به کندی صورت می‌گیرد. در بین این شاکیان در گروه، افرادی حضور دارند که از طریق شکایت از مراجع قضائی پیگیری احقاق حقوق خودشان هستند. یکی از افراد حاضر در گروه که رقمی ۱۵میلیاردی در این صرافی ذخیره کرده، نوشته است که توانسته پرونده شکایت در مراجع قضائی را تا جایی پیش ببرد که احتمال دارد به‌زودی برای مدبران اکسکوینو دادگاهی تشکیل شود تا آنها به شکل شفاف پاسخ‌گوی این بحران باشند. او از اعضای دیگر گروه شاکیان اکسکوینو نیز که چندان امید به ثبت شکایات و رسیدن به حق‌شان را ندارند، می‌خواهد پیگیر حق خود از طریق ثبت شکایت در پلیس فتا یا دیگر نهادهای قضائی باشند.

سه هفته وعده به رسانه برای حل مشکل

برای صحت‌سنجی ادعا و روایت کاربران شاکی اکسکوینو، «شرق» برای بیش از سه هفته پیگیر مصاحبه یا حتی ارسال اطلاعیه‌ای از سوی این صرافی برای پاسخ به سؤال‌های ایجادشده در این بحران بود. در نهایت این صرافی از ۲۵ مهر تا لحظه انتشار این گزارش (۱۷ آبان) با اعلام اینکه مشکل تا «این هفته یا هفته آینده» حل می‌شود یا تمام واریزها تا آخر ماه صورت می‌گیرد، از پاسخ شفاف درباره این بحران سر باز زد.

فقط در صحبت کوتاهی که نیما داراب، روابط عمومی اکسکوینو ۲۹ مهر با «شرق» داشت، او این وعده را داد که مشکل تا پنجم آبان حل خواهد شد. همچنین او بحران ایجادشده برای این کسب‌وکار فعال در حوزه رمز ارز را «Bad PR» از سمت رقبیان دانست. او در این مورد به «شرق» گفته بود: «از سال ۱۴۰۰ تا امروز چند بار هدف تخریب رسانه‌ای که با هدایت رقبیانمان بود قرار گرفتیم. هیچ کاربری مال‌باخته نیست، همه در صف پرداخت‌اند. تا دوشنبه پنجم آبان همه بدهی‌ها را پرداخت خواهیم کرد». در تنها اطلاعیه مشخص در وب‌سایت اکسکوینو، مربوط به این بحران با عنوان «شفاف‌سازی درباره حواشی اخیر» در تاریخ ۱۸ شهریور منتشر شده. متنی پر از ارجاع به حملات سایبری، فیلترینگ، قطعی اینترنت و حتی جنگ دیده می‌شود. در این توضیح رسمی، همه‌چیز «بیرونی» بوده و هیچ چیز از درون شرکت به عنوان عامل بحران معرفی نشده است. در نهایت اکسکوینو، زنجیره‌ای از حوادث غیرقابل پیش‌بینی دست‌به‌دست هم داده بودند: از «حمله سایبری گسترده در ۲۵ خرداد» تا «قطع ارتباط با بانک‌ها به‌دلیل آت‌پی خارجی سرورها» و «محدودیت اینترنت بین‌الملل در روزهای جنگ ۱۲روزه». در نهایت هم گفته شد: «حساب‌های ریالی شرکت بدون اطلاع قبلی از سوی سازمان امور مالیاتی مسدود شده است». شرکت در این بیانیه از کاربران عذرخواهی کرد و نوشت: «اکسکوینو مسئولیت اتفاقات را می‌پذیرد و تسویه کاربران به‌صورت تدریجی در حال انجام است. هیچ کاربری مال‌باخته نیست و دارایی‌ها در امنیت کامل نگهداری می‌شود». اما به باور برخی کارشناسان این اطلاعیه فقط قرار از مسئولیت است. کارشناسان می‌گویند حتی در صورت وقوع حمله سایبری یا فیلترینگ، تراکنش‌های رمزارزی از کیف‌پول‌های داخلی شرکت قابل انجام است و این عوامل نمی‌توانند مانع برداشت دارایی کاربران شوند. توقف همه‌زمان برداشت‌های ریالی و رمزارزی، نشانه‌ای است که از دیدگاه تحلیلگران، «نه از اختلال، بلکه از قفل‌شدن نقدینگی» خبر می‌دهد. آن‌طور که مقررات‌گذاری فعالیت صرافی رمز ارزی مشخص کرده، در صورت درخواست کاربران برای برداشت داراییشان، باید این دارایی طبق یک زمان مشخص براساس سیستم بانکی نهایت تا ۷۲ ساعت به حساب آنها واریز شود؛ بنابراین اگر در طول پنج ماه گذشته اکسکوینو نتوانسته درخواست واریز کاربران را به صورت کامل انجام دهد، به احتمال بسیار بالا این شرکت دچار مشکلات مالی است که ارتباطی با مشکلات فنی به‌خاطر قطع اینترنت یا فیلترینگ ندارد.

درگیر در یک بحران مالی؟

در گروه تلگرامی شاکیان اکسکوینو اسنادی بانکی و قضائی دیده می‌شود که می‌تواند تصویر روشنی از وضعیت فعلی اکسکوینو بدهد. همچنین چند سند بانکی و قضائی که برای «شرق» ارسال شده تصویری نگران‌کننده از پشت‌صحنه بحران اکسکوینو را نشان می‌دهد؛ اسنادی که در آنها، نام «شرکت

توسعه فناوری آرین‌داده پوسته ایرانیان» (مالک رسمی صرافی اکسکوینو) به عنوان طرف حساب‌های مسدود و بدهکار ثبت شده است. در میان این اسناد، نامه‌ای از شعبه اجرای احکام مدنی شهرستان فارس وجود دارد که به‌روشنی اعلام می‌کند: «حساب‌های شرکت توسعه فناوری آرین‌داده پوسته ایرانیان با شناسه ملی ۰۸۱۹۶۵۱۰۱۴۰۰ تا سقف ۹۹۵ میلیون تومان مسدود شده است». اما این تنها مورد نیست. مکاتبات جداگانه‌ای از بانک‌های ملی، پارسیان، صادرات و اقتصاد نوین هم دیده می‌شود که هرکدام از توقیف مبالغ چندمیلیاردی در حساب‌های اکسکوینو خبر می‌دهند. در یکی از این نامه‌ها، شعبه‌ای از بانک ملی اعلام فارس تأیید کرده: «موجودی حساب شرکت به مبلغ هفت میلیارد ریال توسط پلیس فتا توقیف و حساب مسدود است». با این حال، شاید اصلی‌ترین مدرک، رأی قطعی شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی استان فارس باشد؛ رأیی که در آن، شرکت توسعه فناوری آرین داده پوسته ایرانیان به پرداخت ۹۹۵ میلیون تومان به شاکی محکوم شده است. در متن رأی آمده: «با توجه به مستندات ارائه‌شده، شرکت خوانده در انجام تعهدات مالی قصور داشته و قرار تأمین صادره به مرحله اجرا درآمده است. رأی صادره تا ظرف ۲۰ روز قابل اعتراضی است». به زبان ساده، دادگاه به‌طور رسمی تأیید کرده که اکسکوینو در بازپرداخت بدهی مالی خود به کاربر کوتاهی کرده است؛ موضوعی که در تضاد کامل با ادعای این شرکت درباره «اختلال فنی موقت» قرار دارد. اگرچه امکان راستی‌آزمایی مستقیم اصالت این مستندات در مراجع قضائی برای رسانه وجود ندارد، اما مجموعه این احکام و نامه‌ها تصویری روشن‌تر از بحرانی ارائه می‌دهد که حالا دیگر نمی‌توان آن را صرفاً به «مشکل فنی» نسبت داد.

مشکل از شرکت مادر است؟

صحبت با چندین فعال بازار رمز ارز و برخی از نیروهای قدیمی اکسکوینو نشان می‌دهد که این صرافی با یک مشکل مالی جدی روبه‌رو است. هرچند «شرق» نمی‌تواند به‌صورت رسمی این اظهارات را تأیید کند، اما طبق این شنیده‌ها هرمنشاً رموز بحران در اکسکوینو به مشکلات مالی شرکت مادر آن یعنی هلدینگ «ارنیکا» بازمی‌گردد. بررسی وضعیت اظهار نظر کاربران که در هلدینگ ارنیکا مشغول به کار هستند یا از آن خارج شده‌اند نیز حکایت از شرایط پیچیده مالی در این هلدینگ دارد. چندین نفر از نیروهای قدیمی هلدینگ ارنیکا در وب‌سایت «ویکی‌تجربه» (محلی برای ثبت تجربیات نیروهای انسانی شرکت‌های مختلف) نوشته‌اند که این شرکت حقوق آنها را با چند ماه تأخیر پرداخت می‌کند و در برخی مواقع حتی از پرداخت با تأخیر حقوق کارمندانش هم باز مانده است. یکی از کاربران در برداشت و در بخش‌های دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند و همین عامل باعث شده اکسکوینو با بحران تسویه‌حساب با کاربرانش مواجه شود. در برخی از این اظهارنظرها هم دیده می‌شود که دیگر زیرمجموعه‌های هلدینگ «ارنیکا» از جمله «فلائیئو» و «هومسا» هم با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند. خرداد سال ۱۴۰۳ هم استعفای دست جمعی مدیرعامل و مدیران ارشد فلائیئو به دلیل اخراج شبانه ۳۰ نفر از نیروهای این شرکت فعال در حوزه گردشگری، خریساز شده بود. آن زمان گروهی از نیروهای فلائیئو که بدون توضیحی اخراج شده بودند، در لیندکدین خود دلیل توفان استعفا و تعدیل و اخراج در این شرکت را «خات‌های بیجای هلدینگ سرمایه‌گذار» اعلام کرده بودند. بحران اکسکوینو شاید در ظاهر، نتیجه مشکلات فنی یا تصمیم‌های نادرست شرکت مادرش یعنی ارنیکا باشد، اما ضربه اصلی را این صرافی نه از بیرون که از درون خورده است.

ضعف روابط عمومی، سکوت‌های طولانی، اطلاع‌رسانی‌های مبهم و از ناتوانی در پاسخ‌دادن به ساده‌ترین پرسش کاربرانش: «شفافیت درمورد سرنوشت داراییشان». به باور کارشناسان، اکسکوینو اگر از همان روزهای اول، شفاف و پاسخ‌گو عمل می‌کرد، شاید امروز هنوز آمیدی به بازسازی اعتماد از دست‌رفته کاربران داشت. اما حالا هر دقیقه تأخیر در پاسخ، هر وعده بی‌عمل و هر جمله تکراری «در حال بررسی است»، نه‌فقط دیواری میان صرافی و کاربرانش ساخته، بلکه ترک عمیقی بر اعتماد کاربران به کل بازار رمزارز داخلی انداخته است. در واقع بحرانی که از دل ضعف اطلاع‌رسانی زاده شد، حالا به زلزله‌ای بدل شده که پایه‌های اعتماد به کل اکوسیستم رمزارز ایران را لرزانده است.

گزارش

به قیمت جان

نیره توکلی، جامعه‌شناس زنان، دراین‌باره می‌گوید: «فشار اجتماعی ناشی از زن‌بودن، باعث می‌شود زنان در معرض خطرهای سلامتی این‌چنینی قرار بگیرند. البته همیشه هدف مسائل زیبایی‌ی، زنان بوده‌اند و باید گفت این الگوی متناسب‌بودن اندام برای زنان، فقط مختص ایران نیست. اما در جامعه هسنتد و حتی در سرهای پایین و زوده شده و زیر بحران تبلیغات همواره زیبابودن است، به زنان بیش از پیش القا شده باید بی‌نقص، متناسب و زیبا باشند». این جامعه‌شناس معتقد است این تفریط‌ها برای لاغری و زیبابودن در جامعه ایرانی قابل پیش‌بینی بود: «این افسارگسیختگی‌ها، حاصل از افراط‌هایی است که از سال‌ها پیش برای حجاب زنان شده و با دیگر محدودیت‌ها برای زنان ترکیب شده است. برای همین است که امروزه دختران جوان به دنبال داشتن اندامی بی‌نقص و هم‌چون مانکن‌ها هستند و حتی در سرهای پایین و قبل از بلوغ، دوست دارند لوند باشند».

مانجارو، ثبت نشده است

محمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو، اما به عنوان مرجع پاسخگو، درباره مجوز سازمان غذا و دارو برای اوزمپیک و مانجارو به «شرق» می‌گوید: «هر دو دارو در فهرست رسمی دارویی ایران قرار دارند. با این حال، برند مانجارو تاکنون در اداره ثبت و صدور روانه اداره کل دارو ثبت نشده است. برند اوزمپیک هم ثبت شده و IRC و Codl Iran Registration -یک شناسنه ۱۶رقمی است که توسط سازمان غذا و دارو برای شناسایی و تأیید اصالت تجهیزات پزشکی صادر می‌شود- دارد ولی تاکنون وارداتی نداشته است». او درباره مجوز نداشتن برخی برندها هم توضیح می‌دهد: «ثبت داروها در چارچوب ضوابط سازمان غذا و دارو امکان‌پذیر است، اگر تاکنون مجوزی برای بعضی برندها صادر نشده، دلیل آن ارسال‌نکردن پرونده ثبت از سوی شرکت‌های تولیدکننده است. این موضوع می‌تواند به دلیل تمرکز شرکت‌ها روی بازارهای بزرگتر یا مسائل مربوط به رقابت قیمتی باشد».

عوارض کشف نشده

او درباره اسپارتینا، ادامه می‌دهد: «مانجاروی ایرانی اسپارتینا بر اساس ضوابط سازمان غذا و دارو ثبت شده و دارای پروانه تولیدی است. این دارو پس از طی مراحل نظارتی وارد بازار شده و تاکنون گزارش جدی از عوارض خطرناک آن ثبت نشده است. در حقیقت این داروها با اندیکاسیون درمان دیابت نوع دوو جاقی فقط باید تحت نظر و تجویز پزشک متخصص مصرف شوند. در حال حاضر اسپارتینا تمام مراحل کنترل کیفی را گذرانده و حضور آن در بازار ادامه دارد. با این حال، مانند همه داروها تحت پایش مداوم است و در صورت مشاهده عوارض یا مشکلات جدید، سازمان می‌تواند درباره ادامه توزیع تصمیم‌گیری کند». هاشمی درباره اسپارتینا جمع‌شدن اسپارتینا مانند واکسن HPV در داروخانه‌ها می‌گوید: «اسپارتینا در چارچوب ضوابط سازمان غذا و دارو تولید و توزیع می‌شود و تاکنون گزارشی از مشکل ایمنی یا کیفی آن ثبت نشده است. این دارو مشابه محصولات مشابه در نظام دارویی تمام کشورهای دنیا رایج و پذیرفته‌شده است. درباره واکسن HPV -ژیکل-تاسلسی- نیز توقف موقت توزیع به دلیل ملاحظات نظارتی و بررسی داده‌های علمی بود و پس از تکمیل بررسی‌ها، دوباره مجوز مصرف گرفت. چنین اقداماتی در نظام‌های دارویی بین‌المللی امری متداول است».

او معتقد است که بزرگ‌ترین خطر و مهم‌ترین نگرانی، مصرف خودسرانه این دارو و استفاده از محصولات قاچاق و تقلبی است: «استفاده از فراورده‌های قاچاق، تقلبی و غیراستاندارد، می‌تواند خسارت جانی و مالی جدی همراه داشته باشد. حتی داروهای اصلی کاهنده وزن نیز صرفاً برای بیماران مبتلا به چاقی شدید و بیماری‌های زمینه‌ای توصیه می‌شوند. مصرف خودسرانه می‌تواند عوارضی همچون مشکلات کبدی، التهاب لوزالمعده، سک صفرا، فلج روده، اختلالات بینایی، سرطان تریونید و واکنش‌های آلرژیک شدید ایجاد کند». او از مردم می‌خواهد: «داروهای ضددیابت و لاغری را باید صرفاً با نسخه پزشک و از مسیرهای قانونی تهیه کنند و در صورت مشاهده تبلیغات یا فروش غیرمجاز این محصولات در فضای مجازی یا مراکز غیررسمی، مردم می‌توانند موضوع را از طریق سامانه ۱۹۰ گزارش کنند».